

# ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره چهارم  
مهر و آبان ۱۴۰۲ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و  
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۲

۲۰۲  
دوماهنامه  
ایینه پژوهش

۴۰ سال سی و چهارم، شماره چهارم  
مهر و آبان ۱۴۰۲

## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.34, No.4 Oct- Nov 2023

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

202

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture

نسخه خوانی ۳۵ | رباعیات فارسی در پنج دستنویس کهن | چاپ نوشت (۹)  
| طومار (۱) | هرمنوتیک فلسفی در گذر تاریخ با تمرکز بر هرمنوتیک بایبلی  
| درباره زبان مانی | پژوهشی در مثل‌های مشترک فارسی و عربی رایج در  
عراق | نوشتگان (۳) | ماهیت کتاب اربعین اسعد بن ابراهیم اربلی |  
معرفی و نقد کتاب «صدر اسلام و زایش سرمایه داری» | عهد کتاب (۱) | به  
مناسبت انتشار | جلد پایانی ترجمه فارسی دائرةالمعارف قرآن | گزارشی از  
محتوای کتاب تفسیر عسکری اطروش | در امتداد اسطوره و سراب |  
افزوده‌هایی چند بر واژه‌های دخیل در قرآن نوشته آرتور جفری |  
نقد و بررسی تصحیح منهج اول عباقت | نکته، حاشیه، یادداشت

مروری بر جنگ حاجی محمد بیکا  
از دوره صفوی

پیوست آینه پژوهش |

مسئول: جعفریان سید علی  
میراث‌شناسی: مجید جلیلیه علی‌راد  
تسبیح حسنی: اماری ایدرزاسکی  
فراغتس روزنژاد: سید احمد زویا  
فایده‌مقامی: سید علی بیارزاده  
میلاد: بیگانه علی عباس‌زاده  
مجنبتی: اشغری حسین  
آبادی: کاظم استادی امین‌راد دیوبند  
رسمیول: مراد گلپوش محمدجواد  
رسمیول: رحیم‌پور نازا مسعودی‌تالی



پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

# چاپ نوشت (۹)

مجید جلیسه

| ۴۹-۷۲ |

## اولین کتاب چاپ سربی طهران

### Notes on Publishing Books (9)

#### The First Movable Type Printed Book of Tehran

Majid Jaliseh

**Abstract:** This article explores the inception of the movable type printing industry in Tehran's Dar al-Khilafah by introducing and examining the first printed book in this type in Tehran. The author delves into the reasons behind the publication of this book during that period

**Keywords:** Movable Type Printing, Fath Ali Shāh, Mirzā Zayn al-'Ābidin Tabrīzī, Mōtamid al-Dowlah, Tehran, Qajar

چکیده: مؤلف در مقاله حاضر ضمن اشاره به چگونگی آغاز صنعت چاپ سربی در دارالخلافة طهران به معرفی و بررسی اولین کتاب چاپ شده در طهران و چرایی انتشار این کتاب در آن دوران می‌پردازد.

کلیدواژه: چاپ سربی، فتحعلیشاه، میرزا زین العابدین تبریزی، معتمدالدوله، طهران، قاجار



## مقدمه

از دوران پیشی و پیگیری‌های نایب السلطنه عباس میرزا (۱۲۰۳-۱۲۴۹ق) بود که عده‌ای از جوانان مستعد ایرانی به کشورهای اروپایی و بالخصوص انگلستان اعزام و هرکدام از آنها با کوله باری از تجربه و دانش در حوزه‌های مختلف دانشی به ایران بازگشته و مصدر تحولات و تغییراتی شدند.<sup>۱</sup> صنعت چاپ از جمله مهمترین صنایعی بود که عباس میرزا مصرانه به دنبال آن بود و بالاخره در سال ۱۲۳۲ق موفق می‌گردد از طریق فردی به نام آقانوروز یک دستگاه چاپ حروفی خریداری نماید.<sup>۲</sup> اما برای راه‌اندازی چاپخانه در تبریز او نیازمند کاغذ، جوهر، حروف و نیروی انسانی ماهر نیز بود. عباس میرزا بعد از پایان دوره اول جنگ میان ایران و روسیه، هنرمندانی را برای یادگیری فن چاپ به روسیه اعزام می‌نماید. از جمله این هنرمندان می‌توان به نام‌هایی چون محمدعلی بن محمدحسین آشتیانی، میرزازین العابدین بن ملک محمد تبریزی،<sup>۳</sup> الله‌وردی افشار و... اشاره نمود.<sup>۴</sup>

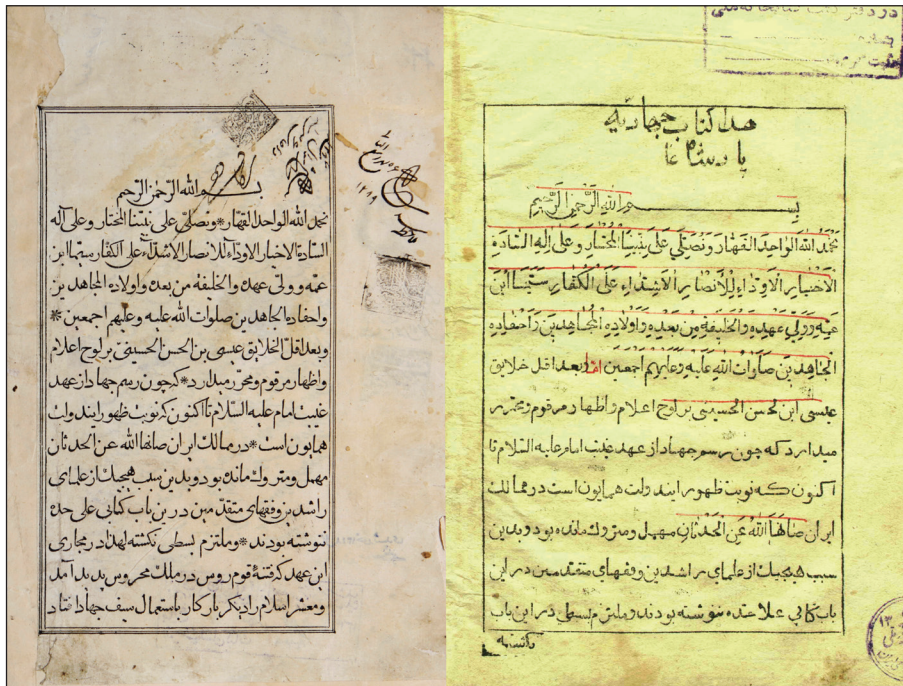
در سال ۱۲۳۳ق اولین کتاب چاپی ایران به نام رساله جهادیه نوشته میرزا عیسی قائم مقام فراهانی (۱۲۳۷-۱۲۳۷ق) در شهر تبریز توسط محمدعلی بن حاجی محمدحسین آشتیانی چاپ و منتشر می‌گردد. (تصویر ۱) هرچند دستگاه چاپ، جوهر و کاغذ به کار گرفته شده برای چاپ این کتاب وارداتی بوده اما یقین داریم که حروف بکاررفته در این کتاب توسط یک ایرانی در ایران و شهر تبریز طراحی، ساخته و سرب‌ریزی شده است. چراکه اولاً حروف به کار گرفته شده در این کتاب هیچ مشابه خارجی ندارد و ثانیاً با بررسی دقیق حروف به کار گرفته شده در این کتاب برای ما مسجل می‌گردد که این حروف از ابتدا تا انتها چندین بار طراحی، حروف‌ریزی و مورد استفاده و آزمون و خطا قرار گرفته‌اند، به شکلی که می‌توان رساله جهادیه اول را کارگاهی آزمایشی برای طراحی فونت و کسب تجربه در این موضوع به حساب آورد.

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص ز: اولین کاروان معرفت، یغما، سال ششم، شماره ۷، مهر ۱۳۳۲، صص. ۲۷۴-۲۷۸

2. An Iranian Town in Transition: A social and Economic History of the Elites of Tabriz, 307

۳. حسین میرزای گلبایگانی بدون اشاره به هیچ منبعی در کتاب خود بیان می‌دارد که: «عباس میرزا نایب السلطنه قبل از بازگشت میرزا صالح شیرازی به ایران و پس از امضای صلح‌نامه گلستان بین ایران و روس ورود چند دستگاه چاپ را به روسها سفارش داد. پس از این سفارش هم، شخصی به نام میرزازین العابدین تبریزی به پترسبورگ اعزام شد تا فنون چاپ و روش ساختن مرکب را فرا بگیرد» رک: تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، ۱۰.

۴. هرچند در خصوص محمدعلی آشتیانی و میرزازین العابدین تبریزی تا به امروز سندی دال بر مهاجرت به امپراطوری روس و آموزش چاپ در آن دیار در دست نداریم اما با توجه به نامه‌ای که ژنرال ولیامینوف به عباس میرزا ارسال داشته برای ما مسجل است که وی الله‌وردی افشار را برای یادگیری صنعت چاپ به تفلیس اعزام نموده و الله‌وردی در آنجا زیر نظر یک چاپخانه‌دار روسی این هنر را آموزش دیده و سپس به ایران بازگشته است. رک: تاریخ چاپ سنگی در ایران، ۱۴.



تصویر ۱. رساله جهادیه، میرزا عیسی قائم مقام فراهانی، تبریز، ۱۲۳۳ق (کتابخانه ملی-تهران)؛ رساله جهادیه، میرزا عیسی قائم مقام فراهانی، تبریز، ۱۲۳۴ق (کتابخانه آستان قدس رضوی. مشهد)

### میرزا زین العابدین تبریزی

به فاصله ۱۵ ماه بعد از چاپ رساله جهادیه، این کتاب بار دیگر با هنرمندی فردی با نام میرزا زین العابدین بن ملک محمد تبریزی اما اینبار با حروفی زیباتر به تاریخ سه شنبه هفتم ذی حجه سال ۱۲۳۴ق تجدید چاپ می‌گردد. (تصویر شماره ۱) میرزا زین العابدین بجز زیبایی و ظرافتی که در طراحی حروف این کتاب بکار برده است، تلاش نموده ضمن رعایت دقیق فواصل بین حروف و کلمات (ترکیب) و فواصل میانی حروف (کرنینگ) و ترکیب برخی از حروف در یک کلمه با یکدیگر (لیگچر) تعداد صفحات کتاب را کاهش دهد. ازین رورسالة جهادیه میرزا زین العابدین نسبت به نمونه قبلی خود ۸ صفحه کمتر است.

هرچند آگاهی‌های ما درباره شخص میرزا زین العابدین بسیار اندک است، اما از تأثیری شگفت‌آور او در گسترش و توسعه صنعت چاپ در ایران آگاهیم. او با مهارتی فوق‌العاده و هنرمندانه حروفی طراحی می‌کند که ازین پس پایه حروف بسیاری از کتاب‌های چاپی آن دوران قرار می‌گیرد و تا سالیان سال این تخصص و هنرمندی میرزا زین العابدین است که اسباب انتشار دهها کتاب در صدها نسخه را با این تکنیک چاپ در ایران فراهم می‌نماید. بالاتر از آن وی با انتقال آموخته‌هایش به

5. Tracking.  
6. Kerning.  
7. Ligature.



تصویر ۲. صفحه پایانی  
(ترقیمه ناشر) کتاب  
گلستان، مصلح الدین  
سعدی شیرازی، تبریز،  
دارالطبع دارالسلطنه،  
۱۳۳۹ق. (کتابخانه ملی  
ایران، تهران)

برخی از شاگردانش زمینه ساز توسعه این فن در ایران می‌گردد. تقدس و جایگاه او در این موضوع آنچنان بالاست که در آن دوران به دفعات از وی به عنوان مبدع این فن یاد می‌شود.

بعد از چاپ رساله جهادیه (۱۲۳۴ق) تا مدت‌ها نه تنها نامی از میرزا زین العابدین در میان نیست، بلکه از قرار معلوم کتابی هم در تبریز چاپ نمی‌گردد، البته گزارشی وجود دارد که نشان می‌دهد که کتاب گلستان در سال ۱۲۳۶ق در شهر تبریز و توسط فردی به نام میرزا جعفر چاپ گردیده است.<sup>۸</sup> اما مع الاسف تا به امروز هیچ نسخه‌ای از این کتاب شناسایی نشده است. در سال ۱۲۳۹ق نسخه‌ای از کتاب گلستان منتشر می‌گردد که در ترقیمه آن به نام میرزا زین العابدین برمی‌خوریم (تصویر شماره ۲) که از او اینگونه یاد می‌شود:

«بعهد فیروز جهان افروز، شاهنشاه عالم پناه، جمشید بخت، خورشید تخت، افتخار السلاطین، استناد الخواقین، ابوالفتح والعلی فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه و نشر علی الخاقین بره واحسانه، حسب الامر قدر قدر، نواب مالک رقاب،



											رساله جهادیه تبریز	
۱۲۳۴	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
۱۲۳۵	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
۱۲۳۶	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
۱۲۳۷	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
۱۲۳۸	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
۱۲۳۹	محرم	صفر	ربیع ۱	ربیع ۲	جمادی ۱	جمادی ۲	رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی القعدة	ذی الحجه
		طهران محرق القلوب			طهران رساله حسنیه			تبریز گلستان سعدی				

تصویر ۳. جدول زمانی انتشار اولین کتاب‌های چاپی توسط میرزا زین العابدین تبریزی در تبریز و طهران

فلک قدر ملک طبع شهاب شست، سحاب دست، ابوالنصر نایب السلطنه العلیه عباس میرزا ادم اقباله در دارالطبع دارالسلطنه تبریز بتصنّع زین العابدین تبریزی کتاب گلستان شیخ سعدی مطبوع امد امید که در نظر ارباب دانش مطبوع اید رقم فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۳».

بنابراین براساس آگاهی‌های فعلی ما در فاصله سال‌های ۱۲۳۴ تا ۱۲۳۹ ق. هیچ کتابی توسط میرزا زین العابدین تبریزی منتشر نگردیده و ما هیچ اطلاعی از وی و فعالیت‌های او در این سالها نداریم. (تصویر شماره ۳)

آیا او به سفری رفته تا دانش خود را در خصوص چاپ و نشر کتاب تکمیل نماید؟ آیا در این فاصله به دنبال طراحی حروف مورد نیاز برای چاپ کتاب‌های بعدیش در تبریز و طهران بوده است؟

آیا کاغذ، جوهر و یا نیروی انسانی مورد نیاز او در این مدت فراهم نبوده است؟ اینها و بسیاری از سوالات دیگر از جمله نقاط غامض تاریخ چاپ و نشر است که تا به امروز جوابی برای آن نداریم.

از آنجایی که کتاب گلستان (رمضان ۱۲۳۹ ق) هشت ماه بعد از اولین کتاب چاپ حروفی طهران در تبریز به چاپ رسیده است، اینگونه به نظر می‌رسد که میرزا زین العابدین پیش از سفرش به طهران، چاپخانه دارالسلطنه تبریز را به سامان کرده، حروف مورد نیاز را طراحی و ریخته و احتمالاً حروفچین‌ها و چاپ‌چینی را آموزش داده و بدون دغدغه شهر تبریز را ترک و به سمت طهران حرکت نموده است.

## ورود میرزا زین العابدین تبریزی به طهران

میرزا زین العابدین توسط فتحعلی شاه (۱۱۸۳-۱۲۵۰ق) به طهران فراخوانده می شود تا صنعت چاپ را در پایتخت راه اندازی نماید. نقل شده که او بعد از ورود به طهران، ابتدا در منزل محمدحسین خان ملک الشعرا ی ثانی (د: ۱۲۶۵ق.) فرزند فتحعلی خان ملک الشعرا اقامت می کند. منزل او در محله دروازه شمیران کمی بالاتر از مسجد و تکیه آبهرام یا همان مسجد معروف عودلاجان قرار داشته است (تصویر شماره ۴)؛ اما از قرار معلوم، چندی نمی گذرد که جذب دستگاه منوچهرخان گرجی (د: ۱۲۶۳ق) گردیده و در تکیه منوچهرخان اقامت می گیرند.<sup>۹</sup> این تکیه از جمله ابنیه تازه ساخت در دوره فتحعلی شاه قاجار است که در جنوب غربی سبزه میدان و جنوب جبهه خانه بنامی گردد. منوچهرخان هر سال در ماه محرم و صفر مراسم عزاداری و مصیبت خوانی در تکیه برگزار می کرد و حتی موقوفاتی برای این تکیه در نظر می گیرد که بعد از او نیز این رویه اجرا گردد.<sup>۱۰</sup> وضعیت این تکیه، بعد از درگذشت منوچهرخان تا سال ها با همین نام و کاربری باقی است. در نقشه دارالخلافت طهران به سال ۱۲۷۵ق. (تصویر شماره ۵) و همچنین نقشه منتشره به سال ۱۳۰۹ق.، نام این تکیه بر روی نقشه ها پیدا است. در دوره پهلوی اول و دوم نیز بر روی نقشه سال ۱۳۴۷ش تهران<sup>۱۱</sup> و یا نقشه تهران ۱۳۵۵ش<sup>۱۲</sup> نام این تکیه در تقاطع جنوب خیابان بوذرجمهری و شرق خیابان حکیم دیده می شود. اما متأسفانه سال ها بعد، این تکیه خراب می گردد؛ هر چند کوچه ای که تکیه در آن قرار داشته به کوچه منوچهرخانی مشهور و هنوز نیز بر همین نام است. نامی که بر کتاب های چاپ حروفی آن دوره که با حمایت منوچهرخان گرجی ملقب به معتمد الدوله منتشر می شده نیز باقی مانده و هنوز این کتاب ها را «منوچهرخانی» و یا «معتمدی» می نامند. با توصیفاتی که گذشت هر چند ما دقیقاً نمی دانیم که میرزا زین العابدین کی با به طهران گذاشته است اما اینگونه به نظر می رسد که او احتمالاً حدود سال های ۸-۱۲۳۷ق. به طهران رفته است. چرا که مقدمات راه اندازی یک چاپخانه مانند تهیه فضا برای چاپخانه، انتقال دستگاه چاپ و تجهیزات دیگر و راه اندازی دستگاه چاپ و ... از کارهای زمان بر است. همچنین انتشار کتاب نیازمند فرصت و زمانی برای حروف چینی، غلط گیری، چاپ و صحافی است. با این حساب و بررسی میانگین زمانی انتشار هر کتاب در آن دوران می توان یک بازه زمانی حداقل دو ساله را برای این منظور در نظر گرفت. در هر صورت میرزا زین العابدین پایش به طهران باز می شود و تا زمان درگذشتش در همین شهر به چاپ و نشر کتاب و آموزش شاگردانی برای همین امر مشغول و موفق می گردد طی این سالها

۹. چاپخانه و روزنامه در ایران، ۱۲.

۱۰. وقفنامه ای از منوچهرخان گرجی ملقب به معتمد الدوله موجود است که طی آن، یک عشر مصرف همین تکیه است. رجوع کنید به: فهرست اسناد موقوفات ایران، ۴/۴۲۱.

۱۱. تهران نگاری، ۳۵۸.

۱۲. همان، ۴۲۲.





ده ها کتاب را چاپ و منتشر نماید.

از درگذشت میرزا زین العابدین، اطلاعی دقیقی در دست نیست. در کتاب طوفان البکاء که توسط بهرام بیگ از شاگردان زین العابدین به تاریخ ۵ رمضان ۱۲۶۰ منتشر شده است، از او به عنوان «مرحوم» یاد می شود و می توان از همین قرینه، یقین حاصل نمود که او پیش از این تاریخ از دنیا رفته است.

«.. باه تمام وحید الزمان و فرید الدوران مرحوم بغفران قرین جناب میرزا زین العابدین آنکه جامع بود بر علم و عمل در فنون اکمل زا کثرو اقل صنعت مطبوعه را حبل متین مبدع این حرفه زین العابدین...»

بعد از درگذشت میرزا زین العابدین بن ملک محمد تبریزی، چاپخانه و تجهیزات او به دست شاگردش، میرزا عبدالکریم می رسد و او در پایان کتاب طوفان البکاء که به سال ۱۲۶۳ ق. چاپ و منتشر می کند، به شکل ویژه ای از او یاد می نماید:

فکر عقبا باش مشغول مصیبت شو مدام	تا خدا دادت رسد در روز فردای قیام
بیشتر منضوم <sup>۱۳</sup> این است از جمیع موعمنین	یاد آرید از وفا مرحوم زین العابدین
چونکه او از راه عقل و هوش تمهید و هنر	ساخت این اسباب و اوضائی <sup>۱۴</sup> که باشد در نظر
برد زین دنیسا برونش خالق رب رحیم	جمله اسبابش خدا بخشید بر عبدالکریم
حالیا گوید کریم ای خالق علم الیقین	بخش از راه وفا اساتاد زین العابدین
چونکه دارد حق استادی بمن در روزگار	از کرم بخشی گناهانش بحق هشت و چهار
بارالها حرمت احمد رسول عالمین	بخشی از راه وفا جرم گناهان حسین
چونکه هستم ذا کرشاه شهید کربلا	دارم امیدی که مایوسم نسازی از وفا
گرچه هستم در بر خلق جهان بی اعتبار	در قیامت نزد آقایم نسازی شرمساز

### اولین کتاب چاپی در طهران

تقریباً بیشتر تاریخ نگاران چاپ، کتاب محرق القلوب که توسط میرزا زین العابدین تبریزی به سال ۱۲۳۹ ق. چاپ و منتشر شده است را اولین کتاب چاپ سربی در طهران می دانند. تقی زاده (۱۲۵۷-۱۳۴۸) از قول آلبرت هوتم شیندلر (۱۸۴۶-۱۹۱۶ م)<sup>۱۵</sup> بیان می کند که میرزا زین العابدین در سال

۱۳. کذا.

۱۴. کذا.

15. Albert Houtum-Schindler.





تصویر. ۶. صفحات آغازین کتاب محرق القلوب، ملامهدی نراقی، طهران ۱۳۳۹ق (کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد)

۱۲۴۰ق طهران پا گذاشته و اولین کتاب چاپی در طهران را قرآن مجید اعلا بی می داند که به خط نیریزی توسط او به چاپ حروفی درآمده است.<sup>۱۶</sup> تقی زاده با استناد به کتاب کتابشناسی شرقی<sup>۱۷</sup> جولیس تئودور زنکر (۱۸۸۴-۱۸۱۱م)<sup>۱۸</sup>، از کتاب محرق القلوب نراقی منتشره به سال ۱۲۳۹ق. نام برده<sup>۱۹</sup> و آنچه شیندلر بیان داشته را اشتباه می داند.<sup>۲۰</sup> این اولین بار است که با نام این کتاب در یک کتابشناسی چاپی برخورد می کنیم. کمی بعد تر شوآب (۱۸۳۹-۱۹۱۸م)<sup>۲۱</sup> هم احتمالاً به استناد فهرست زنکر همین چاپ از کتاب محرق القلوب را در کتاب خود با نام کتابشناسی ایران یاد می کند.<sup>۲۲</sup> بنابراین آنچه پیش ازین اشاره کردیم میرزا زین العابدین حدود سال های ۸-۱۲۳۷ق. چاپخانه خود

۱۶. «چاپخانه و روزنامه در ایران»، ۱۲.

17. Bibliotheca Orientalis.

18. Julius Theodor Zenker.

19. Bibliotheca orientalis: manuel de bibliographie orientale, 1/108.

۲۰. همان، ۱۳.

21. Moise Schwab.

22. Bibliographie de la Perse, 54.

را در شهر طهران بنا می‌کند و آنچه تا به امروز به عنوان اولین محصول چاپی از این چاپخانه سراغ داریم کتابی است با نام محرق القلوب نگاشته محمد مهدی بن ابوذر راقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق.ه) که در ماه صفر ۱۲۳۹ق مصادف با مهرماه سال ۱۲۰۲ش چاپ و منتشر می‌گردد. از این چاپ نسخه‌هایی در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی (ش. ۶۵۰۲)؛ کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (مسجد اعظم) (ش. ۴۴۹۹۶)، محدث ارموی (ش: سربی/۱۰) و کتابخانه ملی (ش. ۷-۳۲۳، ۳۳۱-۷) موجود است.

### چرایی انتخاب محرق القلوب به عنوان اولین کتاب چاپی طهران

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید اینست که چرا محرق القلوب این شانس را پیدا می‌کند که به عنوان اولین کتاب منتشره در طهران چاپ و منتشر گردد؟

فتحعلی شاه قاجار برای کسب مشروعیت و تحکیم بنیان سلسله قاجار چه در داخل کشور و چه در مقابله با بیگانگان بالاخص روسیه همراهی و نزدیکی علمای وقت با حکومت را لازم داشت و از همان ابتدای سلطنت سعی می‌نمود که خود را در منظر علمای شیعه یک پادشاه مؤمن جلوه دهد<sup>۲۳</sup> و تا حد زیادی در این موضوع به موفقیت دست یافته و افتخار می‌کرد که سلطنتش به نیابت از مجتهدین عصر اوست<sup>۲۴</sup>. تعامل و همراهی علمای دینی با حکومت قاجار تا بدانجا به یکدیگر نزدیک می‌شود که در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی یعنی جنگ میان امپراطوری روسیه و ایران، وقتی حکومت قاجار دست یاری به سمت علما دراز می‌نماید، آنها نیز با قاطعیت به پشتیبانی حکومت می‌پردازند. محمد تقی سپهر این داستان را چنین نقل می‌کند:

«... آنگاه شاهنشاه از بهر تشویق سپاه مسلمانان در محاربت و مضاربت با روسیان میرزا بزرگ قائم مقام وزارت کبری را فرمان کرد تا از علمای اثنی عشریه طلب فتوی کند و او حاجی ملا باقر سلماسی و صدرالدین محمد تبریزی را برای کشف این مسئله روانه خدمت شیخ جعفر نجفی و آقاسید علی اصفهانی و میرزا ابوالقاسم جیلانی نمود تا در عتبات عالیات و دارالامان قم خدمت ایشان را دریابند و نیز بعلمای کاشان و اصفهان مکاتیب کرد. بالجمله جناب حاجی ملا احمد راقی کاشانی که فحل فضلی ایران بود و شیخ جعفر و آقاسید علی و میرزا ابوالقاسم و حاجی میرزا محمد حسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان و ملا علی اکبر اصفهانی و دیگر علماء و وفقهای ممالک محروسه هریک رساله نگاشتند و خاتم گذاشتند که مجادله و مقاتله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و خرد و بزرگ را واجب افتاده است که برای رواج دین مبین و حفظ ثغور مسلمین خویشان داری نکنند و روسیانرا از مداخلت در

23. Religion and State in Iran, 46.

۲۴. روضه الصفا، ۱۳/۷۱۵۱۵.

حدود ایران رفع دهند و میرزا بزرگ قائم مقام این مکاتیب را ماخوذ و مرتب کرده رساله جهادیه نام نهاد»<sup>۲۵</sup>

نظرواراده عالمان دینی برای فتحعلی شاه همواره مهم بود و بدان توجه می کرد، در سال ۱۲۱۶ ق. زمانی که حسینقلی میرزا (۱۱۹۱-؟-۱۲۱۸ ق) برادر بزرگتر فتحعلی شاه برای چهارمین بار علم طغیان برافراشت، بالمشکرکشی فتحعلی شاه به حرم حضرت معصومه (س) پناهنده شد و با شفاعت مجتهد اصولی صاحب فتوای زمان میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی (۱۱۵۱-۱۲۳۱ ق) معروف به میرزای قمی بخشوده شد.<sup>۲۶</sup> در این دوران همراهی و همدلی علمای دینی با حکومت قاجار آنچنان نزدیک می گردد که عالمان شیعی دیگر کشورها نیز توجه و عنایت ویژه ای به این حکومت پیدا می کنند. در این زمان وقتی که شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶-۱۲۲۸ ق)، پیش کسوت علمای نجف به ایران سفر می کند، از توجه و عنایت فتحعلی شاه قاجار نسبت به عالمان دینی به وجد آمده و کتاب کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء خود را به او پیشکش می کند. او در مقدمه همین کتاب در این باره چنین می نویسد که:

«... إلى أن دخلت في مملكه صفا فيها بالي، واستقر بحمد الله فيها فكري و خيالي، حيث رأيت العلماء قد ارتفع مقدارهم، و غلت بعد نهايه الرخص أسعارهم، بأيام دوله فاق ضوءها ضوء القمر، و انجلت في أياها الغبره عن وجوه البشر...»<sup>۲۷</sup>

او با تعریف و تمجید فراوان از حکومت قاجار و شخص فتحعلی شاه در ادامه اشاره می کند که زمانی که در ایران بودم اقدام به نگارش کتابی مشتمل بر احکام شریعت جعفری کردم و به نزد فتحعلی شاه رسیده و کتاب را به او پیشکش نمودم.

«... شاه هذا الزمان، و الفائق من يكون من الملوك، أو كان السلطان ابن السلطان، و الخاقان ابن الخاقان، من لم أصرح باسمه تعظيماً، و عبرت عنه بالإشارة تبيحاً و تفخيماً، من جرى فتح الممالك على يديه، و على سيده و مولاه معينه عليه، فكان اسمه الفتح مضافاً إلى علي، و على مضاف إليه. لزال في حمايه الملك الديان، حتى تتصل دولته بدوله مولاه و مولاي و مولى الإنس و الجن، صاحب العصور و النصر و الأمر و النهي، صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه) فلما دخلت في أطراف مملكته من الله على و على سائر المسلمين بدوام بقائه، و استقامه دولته (أخذت) في تصنيف كتاب يتضمن أوجز كلام و أبلغ خطاب، مشتمل على بيان (۴) الأحكام الشرعيه الجعفريه، و على مقدماتها مما يتعلق بالاعتقادات الأصوليه، و نبذه من

۲۵. ناسخ التواريخ، ۱۸۴/۱.

۲۶. حقایق الاخبار ناصری، ۱۴۸.

۲۷. کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، ۴/۴۴.

مهمّات الأصول الفقهيّه. ثمّ أوصله إلى حضرته «برسم پیشکش» المسمّى بلغه العرب هديّه، لأنّی لم أجد مشترياً سواه ولم يكن لي محرّك على تصنيفه لولاه، فجاء من يُمّنه وُسْعُوده وإقباله جامعاً لمهمّات الأحكام الصادره عن محمّد وإله. فالرجاء من حضره سلطان الزمان أن يتلقّاه بالرضا والقبول، على ما فيه من الخلل والنقصان، فإنّما هو بمنزله جراده أُهديت إلى سليمان»<sup>۲۸</sup>

کمی بعد از پایان جنگ اول ایران و روسیه است که عباس میرزا به اولین دستگاه چاپ دسترسی پیدا نموده و با استفاده از رسانه چاپ برای اهداف ایدئولوژیک و سیاسی و تقویت روحیه جهادی و برانگیختن احساسات دینی مردم اقدام به چاپ رساله جهادیه که مجموعه‌ای از فتاوای علمای آن دوران برای جهاد علیه کفار و دشمنان ایران است می‌نماید. این کتاب سال ۱۲۳۳ق و بار دیگر و بعد از گذشت ۱۵ ماه در سال ۱۲۳۴ق چاپ و منتشر می‌شود.

شکی نیست که چاپ به عنوان ابزاری برای تبلیغ همراهی علمای دینی در دستور کار حکومت قاجار بالاخص در دارالخلافت طهران بوده است. حکومت از نفوذ کلام روحانیت در میان جامعه باخبر بوده و یقین داشتند که این نفوذ کلام برای پیش برد سیاست‌های دستگاه حاکم بسیار لازم است. کمی بعد از انتشار این کتاب و از قرار آramشی که در نتیجه صلح میان ایران و روسیه ایجاد می‌شود شاهد آن هستیم که عباس میرزا به تشویق چاپچیان برای توسعه آگاهی، سواد و همچنین تقویت پزشکی و تبلیغ حکومت قاجار اقدام می‌کند و از آن پس در تبریز آثار غیر دینی چون گلستان، مآثر سلطانیه، تعلیم نام در عمل آبله زدن، بوستان سعدی کتاب‌هایی هستند که چاپ و منتشر می‌گردند.

اما وقتی به دستور فتحعلی شاه میرزا زین العابدین تبریزی به طهران آمده و چاپخانه دارالخلافت را راه اندازی می‌کند، رویه چاپ در طهران با تفاوت فاحشی نسبت به تبریز کاملاً در خدمت مذهب و علمای دینی قرار می‌گیرد و تقریباً همه آثاری که در این شهر چاپ و انتشار می‌یابند، کتاب‌هایی در موضوعات تاریخ‌نامه، ادعیه، قرآن، فقه و اصول هستند. بدون شک تعامل و توجه فتحعلی شاه قاجار به نهاد روحانیت و متقابلاً همراهی و همدلی این نهاد با حکومت است که چنین اتفاقی را رقم می‌زند.

یکی از علمای دینی نزدیک به فتح علی شاه در آن دوران ملا احمد نراقی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ق.) فرزند محمد مهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) است. او از چنان جایگاهی نزد فتحعلی شاه برخوردار است که از او به عنوان مرجع تقلید شاه یاد می‌گردد و نوشته‌هایی از او به پیشنهاد سلطان یا برای هدیه به سلطان تحریر می‌گردد.<sup>۲۹</sup> نراقی به دستور فتحعلی شاه کتاب جامع السعادات پدر خود را از زبان



عربی به فارسی ترجمه نموده و معراج السعاده نام نهاد. همچنین کتاب سیف الامه و برهان المله دررد پادری نصرانی را به دستور عباس میرزا و به نام فتحعلی شاه به نگارش درآورده است.<sup>۳۰</sup> کتاب وسیله النجات که رساله عملیه او به زبان فارسی است نیز در ۲۳ رمضان سال ۱۲۳۴ق. به دستور فتحعلی شاه به نگارش درآورده است:

«... این کتاب مستطاب حسب الاشارة لازم البشاره اعلی حضرت جمشید عظمت، سکندر شوکت، اشهر رفعت، سلیمان مسند، عزت و جلال و ذوالقرنین سریر، ابهت و اقبال یوسف، خورشید طلعت، مصر جمال، شاهباز اوج شاهنشاهی، همای همایون فال، هوای تائید الهی، عادل که راعی عدلش گرگ و میش را در یک آبشخور آب داد و باذلی که گنجور دستش قفل در گنجینه کرم برگشاد، پادشهی که حکم نافذش در بسط خاک نافذ و جاری است و ذو الاقتداری که قدرتش بر ملوک ممالک ساری، بزرگ همتی که از کوچک دلی پیوسته با گوشه نشینان خلوت معنی بساط مباسطت مبسوط می دارد و صاحب مرحمتی که از اخلاق ملکی با سطوت ملکی بدست مرحمت دلهای شکسته گان را مومیای می گذارد و نفحات خلق کریمش دم روح القدس است که نوید رحمت بجهانیان دهد و آوای کوس عدل عمیمش صور اسرافیل است که روان تازه بقالب صد نوشیروان دهد و تیغش قاطعی ست بدرجه طالع اعداء رسیده و تیرش سهم الموتیست که بحسب تسییر بخانه نکبت دشمن انجامیده، حسام خون آشامش نضادت بخش ریاض شریعت غرای احمدی و تاب سنان آتش فشانش فروغ ملت بیضای محمدی از یمن سعیش از اقطار و امصار کلمه حق ظاهر و آشکار است و از برق تیغش در اطراف و اکناف نور ایمان را انتشار خاقان کشورگشا و روشن رای ملک آراء و پادشاه دادگر شاهنشاه معدلت گستر ظل ظلیل حضرت اله و المجاهد فی سبیل الله خدیو دین دار و شهریار معدلت شعار و سایه بلند پایه حضرت آفریدگار السلطان بن السلطان و الخاقان بن خاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و اجری فی بحار الآمال فلکه آفتاب دورش دور آفت زوال و اختر عمرش محروس از هبوط و وبال دوحه ملکش با دهار زاهره وجود ملک زادگان آزاده شکفته و تابان و روز جلالش در افتتاح صباح اقبال روشن و فروزان باد سمت تالیف پذیرفت امید که ثواب آن بروزگار فرخنده آثار همایونش عاید گردد...»<sup>۳۱</sup>

توجه فتحعلی شاه قاجار به ملا احمد نراقی تا بدانجاست که به دستور او در مدت ۸ سال (۱۲۲۱-۱۲۲۹ق) مدرسه ای وسیع و خاص در کاشان تأسیس و کفالت تولیت این مدرسه بر عهده ملا احمد



نراقی گذاشته شد.<sup>۳۲</sup> این تعامل و همراهی میان فتحعلی شاه قاجار و ملا احمد نراقی یکی از مشخص ترین دلایلی است که موجبات چاپ و انتشار کتاب محرق القلوب پدرش ملامهدی نراقی را فراهم می‌کند.

از سویی دیگر محرق القلوب به جهت مضمون مذهبی و تعزیه امام حسین (ع) و یارانش کمکی قابل توجه در جهات بخشیدن هرچه بیشتر این سلسله به عنوان حکومتی مذهبی و شیعی بالخاص در میان طبقه علمای دینی و حوزویان بود. ضمن آنکه انتشار کتابی با مضمون مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و بالخاص امام حسین (ع) و یارانش در واقعه کربلا هم به شکلی برانگیزاننده احساس مبارزه با جور و ظلم در دل مردم بود.

همچنین انتشار کتابی از یک عالم دینی شناخته شده - که از قضا پسرش نیز از مجتهدین آن عصر و بسیار مقبول و صاحب نفوذ در اجتماع خود بود - می‌توانست کمک قابل توجهی در پذیرش و مواجهه با تکنولوژی جدیدی به نام چاپ داشته و به شکلی مواجهه جامعه آن روزگار با این تکنولوژی که پیش‌تر در استانبول و نزد کاتبان و مفتیان آن دیار مذموم و نکوهیده بود را آسان‌تر نماید.<sup>۳۳</sup>

بجز دلایلی که گذشت قابل ذکر است که چاپ و انتشار کتاب بدون خواننده هیچ معنایی ندارد و در آن روزگار بیشتر مردم بی‌سواد و بجز طبقه حاکمان، شاهزادگان و رجال درباری، طبقه علمای دینی و روحانیون تنها قشری از جامعه ایرانی دارای سواد برای خواندن و در اختیار گرفتن کتاب‌های چاپی بودند. و همین موضوع چاپ و انتشار آثار متعدد دینی در آن روزگار را نیز توجیه می‌کرد.

کتاب محرق القلوب نسبت به دیگر آثار مشابه خود مانند روضه الشهداء ملاحسین کاشفی سبزواری (۸۴۰-۹۱۰ ق.)<sup>۳۴</sup> از مقبولیت بیشتری در میان مردم آن روزگار برخوردار بود. مطابق آخرین شمارش از نسخه‌های خطی کتاب محرق القلوب، از این کتاب ۲۶۷ نسخه خطی برجای مانده است که از این تعداد ۱۴۳ نسخه آن تا سال ۱۲۳۹ ق. کتابت گردیده است.<sup>۳۵</sup> این کتاب که تا پیش از چاپ تعداد نسخه‌های خطی آن شاید به عدد دویست هم نمی‌رسید به یکباره در تیراژی حداقل دو برابر آن چاپ و انتشار یافته و در اقصی نقاط ایران در دسترس عالمان دینی و معدود

۳۲. وقفنامه مدرسه سلطانی کاشان، ۹۵.

۳۳. در این خصوص و برای اطلاع بیشتر از رک: رساله وسیله الطباعه، ابراهیم متفرقه، ترجمه، فتح‌الله ذوقی، قم، انتشارات وراقان، ۱۳۹۷، ص ۲۰.

۳۴. تعداد کل نسخه‌های برجای مانده از کتاب روضه الشهداء تا به امروز احصاء شده ۱۳۴ نسخه است. رک: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)، ۱۴۷/۱۷.

۳۵. این نکته قابل ذکر است که در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا) نسخه‌هایی که تاریخ کتابت آن‌ها نامشخص اما تقریبی قرن ۱۳ تخمین زده شده است (۴۱ نسخه) نیز در این شمارش قرار می‌گیرد همچنین چند نسخه با تاریخ ۱۰۷۷ و تاریخ ۱۱۲۱ نیز در این میان است که قطع به یقین تاریخ آنها درست نمی‌باشد. رک: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا)، ۴۶۳/۲۸.

افراد باسواد قرار می‌گیرد.

چاپ و انتشار این کتاب مقدمه‌ای برای آغاز انقلاب چاپ آثار دینی در چاپخانه‌های طهران و بعد از آن اصفهان و همدان است و بعد از چاپ این کتاب دومینوی چاپ و انتشار آثار دینی در دارالخلافت و بعد از آن در اصفهان و همدان آغاز می‌گردد. این کتاب‌ها آثار دینی و نگاشته‌های علمای روحانیونی هستند که در سه دسته کلی می‌توان آنها را معرفی نمود:

دسته اول: فقها و علمای متأخر همچون علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ق)، محمد مهدی بن ابوذرقانی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق)، محمد بن فتح‌الله واعظ قزوینی (۱۰۲۷-۱۰۸۹ق)<sup>۳۶</sup>، عطاءالله بن حسام واعظ هروی (قرن ۱۰ق)<sup>۳۷</sup> که البته در این میان بیشترین سهم از انتشار آثار آن دوران متعلق به علامه مجلسی است که قریب به ۲۰ بار کتاب‌های متعددی از او چاپ و انتشار یافته است<sup>۳۸</sup>. شخصیت و آثار علامه مجلسی بسیار مورد توجه فتح‌علی شاه قاجار و علمای فقهی هم عصر او بود زیرا از نگاه علامه مجلسی شاهان صفوی به مثابه سلاطین ذی شوکت شیعه بوده و او برای اتصال سلطنت پادشاهان به دولت امام عصر (عج) دست به دعا برداشته بود.<sup>۳۹</sup> از همین رو علامه مجلسی همواره مورد توجه و عنایت سلاطین صفوی قرار داشت. از طرف دیگر آثارش به

۳۶. ابواب الجنان، تبریز، بی‌جا، ۱۲۴۱ق.

۳۷. روضه المجاهدین، طهران، بهرام‌بیک، ۱۲۶۱ق.

۳۸. بیشترین حجم آثار منتشره از علمای سلف در آن دوران متعلق به علامه مجلسی است و بیشتر کتاب‌های او این شأن را داشته که در آن دوران به صورت چاپ حروفی منتشر گردد که به اجمال عبارتند از:

۱. عین الحیاه، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۰ق.

۲. جلاء العیون، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۰ق.

۳. حیات القلوب، طهران، زین العابدین تبریزی، ج ۳، ج ۱، ۱۲۴۰ق.

۴. حیات القلوب، طهران، زین العابدین تبریزی، ج ۳، ج ۲، ۱۲۴۱ق.

۵. حق الیقین، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۱ق.

۶. زاد المعاد، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۴ق.

۷. عین الحیاه، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۸ق.

۸. حلیه المتقین، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۸ق.

۹. عین الحیاه، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۵۴ق.

۱۰. زاد المعاد، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۵۴ق.

۱۱. حق الیقین، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۵۹ق.

۱۲. حیاة القلوب، طهران، محمد اسماعیل، ۱۲۶۱ق.

۱۳. جلاء العیون، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۶۱ق.

۱۴. جلاء العیون، طهران، بی‌جا، ۱۲۶۲ق.

۱۵. حلیه المتقین، طهران، بی‌جا، ۱۲۶۶ق.

۱۶. حیاة القلوب، طهران، بی‌جا، ۱۲۶۷ق.

۳۹. خاقان صاحب قران و علمای زمان، ۱۸۹.

دفعات استنساخ و در اقصی نقاط ایران و دیگر کشورها دست به دست می‌گردید و نحله فکری او ادبیات غالب تشیع در دوره صفوی و بعد از آن دوران می‌گردد. لذا چاپ و انتشار گسترده آثار علامه مجلسی بالاخص در موضوعاتی همچون دعا، تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع) و تعزیه امام حسین (ع) در دستور کار حکومت قاجار قرار داشته و به صورت جدی و مستمر مورد توجه بود.

دسته دوم: فقها و مراجع طراز اول معاصر همچون محمد باقر بن محمد تقی شفتی بیدآبادی ملقب به حجه الإسلام (۱۱۷۵-؟-۱۲۶۰ق)<sup>۴۰</sup>، محمد ابراهیم بن محمد حسن کرباسی اصفهانی (۱۱۸۰-۱۲۶۲ق)<sup>۴۱</sup> و محمد حسن بن محمد باقر صاحب جواهر (۱۲۰۰-۱۲۶۳ق)<sup>۴۲</sup> که همگی صاحب کرسی درس و بحث بوده و از پیشخوانه‌های اجتماعی فوق العاده‌ای در شهر و دیار خود و ایران برخوردار بودند.

دسته سوم: وعظا و منبری‌هایی همچون محمد تقی بن محمد برغانی (؟-۱۲۶۴ق)<sup>۴۳</sup> و ابراهیم بن محمد باقر جوهری اصفهانی (؟-۱۲۵۳ق)<sup>۴۴</sup> که به جهت تسلط بر جامعه آن روزگار و نگارش

۴۰. از محمد باقر شفتی در آن دوران کتاب‌های زیر با تکنیک چاپ حروفی چاپ و منتشر شده است:

۱. وجیزه، اصفهان، عبدالرزاق اصفهانی، ۱۲۴۶ق.

۲. سؤال و جواب، اصفهان، عبدالرزاق اصفهانی، ۱۲۴۷ق.

۴۱. از محمد ابراهیم کرباسی در آن دوران عناوین زیر با تکنیک چاپ حروفی منتشر شده است:

۱. اشارات الاصول، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۴۵ق.

۲. نخبه، اصفهان، عبدالرزاق اصفهانی، ۱۲۴۶ق.

۳. تحفه الابرار، اصفهان، عبدالرزاق اصفهانی، ۱۲۴۶ق.

۴. نخبه، طهران، رستم‌علی، ۱۲۵۶ق.

۵. نخبه، طهران، زین العابدین تبریزی، ۱۲۵۹ق.

۴۲. در آن دوران این کتاب‌ها از محمد حسن صاحب جواهر به صورت چاپ حروفی به چاپ رسیده است:

۱. الطهارت، طهران، محمد اسماعیل، ۱۲۴۲ق.

۲. ترجمه نجاه العباد فی يوم المعاد، مترجم عبدالحسین بن علی شیخ العراقیین (؟-۱۲۸۶ق)، طهران،

محمد اسماعیل، ۱۲۶۲ق.

۴۳. مجالس المتقین، طهران، حاج عبدالکریم، ۱۲۷۰ق.

۴۴. کتاب طوفان البكاء فی مقاتل الشهداء از جمله شاخص‌ترین و مهم‌ترین آثار اوست که می‌توان آنرا یکی از پربیراژترین کتاب‌های دینی تمام دوران قاجار برشمرد که در دوره چاپ حروفی (سربی) اول نیز این کتاب پرنیراژترین کتاب منتشره به‌شمار می‌رود:

۱. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۵۸ق.

۲. طوفان البكاء، طهران، رستم‌علی، ۱۲۵۹ق.

۳. طوفان البكاء، طهران، عبدالکریم، ۱۲۶۰ق.

۴. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۶۱ق.

۵. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۶۳ق.

۶. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۶۴ق.

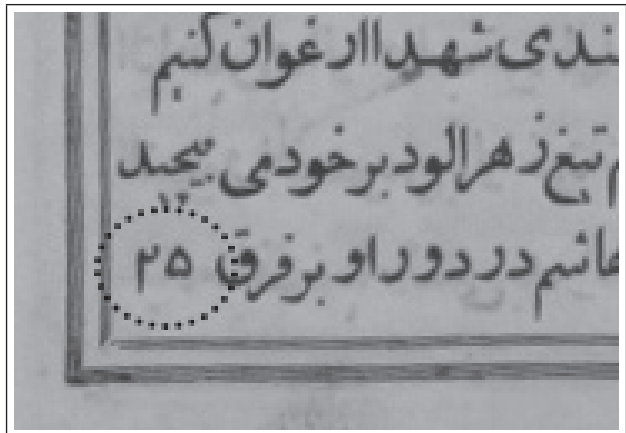
۷. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۶۶ق.

آثاری عامه‌پسند از نفوذ کلام درخوری در میان طبقات اجتماعی مختلف بالاخص عامه مردم برخوردار بودند.

با این حساب و با نگاهی اجمالی به کتاب‌های منتشره در دوره فتحعلی‌شاه و حتی محمدشاه قاجار مشخص است که صنعت چاپ در این‌کانا بولای خود تمام و کمال در قبضه حوزه‌های علمیه و علمای دینی بوده است و توجه فتحعلی‌شاه قاجار به نهاد روحانیت تا بدانجا پیش می‌رود که نهاد روحانیت عملاً مبدل به نیروی دوم اقتدار اجتماعی (افزون بر اقتدار مذهبی) می‌گردد.<sup>۴۵</sup>

### مشخصات فیزیکی کتاب محرق القلوب

کتاب دارای یک جدول کشتی مثنی و با یک فاصله، یک جدول سه‌تحریره است. کاغذ این کتاب دارای ابعاد ۳۰×۱۹ سانتی‌متر و ابعاد متن حروفچینی شده ۲۲/۴ در ۱۳/۸ سانتی‌متر و کتاب دارای ۲۰۲+۱ برگ (۴۰۶ صفحه) است. در این کتاب برای اولین بار شاهد کارکتر عدد و برگ‌شمار در پایین سمت چپ صفحات زوج و بالای سمت راست صفحات فرد در انتهای متن و داخل جدول‌ها هستیم. (تصویر شماره ۸)



تصویر ۸. برگ‌شمار  
به‌کاررفته در کتاب  
محرق القلوب

۸. طوفان البكاء، طهران، عبدالکریم، ۱۲۶۷.
۹. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۶۹ق.
۱۰. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۷۱ق.
۱۱. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۷۲ق.
۱۲. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۷۳ق.
۱۳. طوفان البكاء، طهران، بی‌چا، ۱۲۷۵ق.
۴۵. خاقان صاحب‌قران و علمای زمان، ۲۴.



تصویر ۹. کارکترهای عددی به کاررفته در کتاب محرق القلوب



حروف به کاررفته در این کتاب به خط نسخ و بر پایه همان حروفی است که میرزازین العابدین اولین بار در چاپ کتاب رساله جهادیه (۱۲۳۴ق) و بعدتر گلستان (۱۲۳۹ق) در تبریز طراحی و مورد استفاده قرار داده است. (تصویر ۹) البته مشخص است که این حروف در طهران مجدداً طراحی و حروف ریزی شده است.

در کتاب محرق القلوب به سیاق دیگر کتاب‌هایی که میرزازین العابدین چاپ و منتشر نموده شاهد استفاده از یای کوتاه بر روی های غیرملفوظ (ه) متصل و منفصل هستیم. حرف (گ) کماکان همانند کتاب‌های پیشین بدون سرکش و همانند (ک) ثبت می‌شود و حرف کاف فارسی بدون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	رساله جهادیه ۱۳۳۳ق تبریز
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	محرق القلوب ۱۳۳۳ق طهران

تصویر ۱۰. مقایسه عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در دو کتاب رساله جهادیه ۱۳۳۴ق و محرق القلوب ۱۳۳۹ق

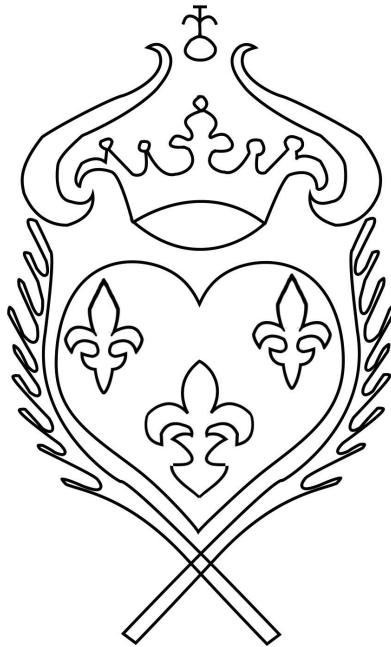
سرکش و به صورت عربی با یک همزه (ك) طراحی و مورد استفاده قرار گرفته است. حرف (آ) یا الف ممدوده بدون سرکش است و تاء تأنیث (ة) نیز بالاخص در کلمه‌ها و عبارات عربی از کارکترهایی مورد استفاده است.

برخلاف کتاب گلستان (۱۲۳۹ق) چاپ تبریز که از کارکترهای ستاره و برگ برای جداسازی ابیات و پاراگراف‌ها استفاده می‌شد در کتاب محرق القلوب خبری از کارکترهای سمبلیک<sup>۴۶</sup> نیست، بلکه با ایجاد فضای خالی این امکان را فراهم نموده که برخی از واژه‌ها همانند «بیت»، «اما بعد» و... به صورت دستی و با رنگی متفاوت برای ایجاد توجه و دقت خواننده کتابت شود.

### نوع کاغذ به کاررفته برای این کتاب

کاغذ مورد استفاده در چاپ این کتاب کاغذی ضخیم با بافتی محکم و پنبه‌ای است، به گونه‌ای که توانایی تحمل فشار ناشی از پرس و زاوید حروف چاپی را دارد و البته برجستگی‌های و تورفتگی‌های ناشی از پرس دستگاه چاپ براحتی و با لمس صفحات مشخص است. در چاپ این کتاب از چندین

46. Symbol.



نوع متفاوت کاغذ استفاده شده است که تنوع واترمارک‌ها مؤید همین مطلب است. با بررسی یکی از واترمارک‌های به کاررفته در کاغذهای این کتاب و تطبیق آن با نمونه‌های هماهنگ و دقیق در بانک اطلاعات واترمارک مؤسسه مرکزی آسیب‌شناسی اسناد و کتاب<sup>۴۷</sup> کاغذ استفاده شده در این کتاب احتمالاً ایتالیایی و ساخت روم می‌باشد که میانه سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۹م. ساخته شده است.

سه نیلوفر<sup>۴۸</sup> که داخل یک قلب قرار گرفته و توسط دو شاخه متقاطع (شبهه صلیب سنت اندرو<sup>۴۹</sup>) احاطه شده است. در بالای آن تاجی با سه گل و دو نیم‌گل که در میان شاخی که با صلیبی بر بالای یک دایره احاطه شده است. عبارت GB در سمت چپ و I در سمت راست آن در بخش زیرین قرار گرفته است. این واترمارک در ابعاد ۱۲ در ۶ سانتی‌متر ترسیم شده است.

### محتوا و متن کتاب

نراقی در ابتدای کتاب محرق القلوب خود بیان می‌دارد که چون گفتن و شنیدن از مصائب اهل بیت (ع) و محنت‌هایی که بر آنها رفته باعث اجر جمیل و ثواب جزیل است و از آنجایی که در کتب مختلف

47. Istituto Centrale per la Patologia degli Archivi e del Libro.

48. lilies.

49. Saint Andrew's Cross.

به زبان عربی و فارسی هیچ یک روشمند و مطلوب نیستند چرا که برخی نظم و ترتیب ندارند و باعث تشویبش ذهن خوانندگان می شود و برخی هم همه اخبار امامیه که شامل حکایات باشد نیستند و برخی هم بسیار مختصر هستند و برخی هم آنقدر طولانی هستند و داستان هایی را شامل می شوند که اصلاً در امر تعزیه مقصود و مطلوب نیست و همچنین خالی از اشعار عربی و فارسی هستند بنابراین به ذهن من رسید که کتابی تألیف کنم که: «بری از نقایص مذکوره و جامع فواید مطلوبه در امر تعزیه باشد تألیف نماید» البته این اتفاق به سبب عوایق زمان و بوابق دوران تعویق می افتد تا آنکه در مجلسی حاکم کاشان عبدالرزاق خان کاشی به او دستور می دهد که: «که کتابی مشتمل بر اخبار و حکایات مصایب اهل بیت رسول جمع نمایی»

بنا به گفته مؤلف این کتاب جامع فواید مطلوب در تعزیه داری می باشد و در حقیقت مجالسی منظم برای اهل منبر است که بیشتر به وقایع کربلا و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام و خویشان و یاران آن حضرت و اسارت اهل بیت (ع) به کوفه و شام با ذکر اشعاری مناسب آن مجالس پرداخته است.

کتاب مشتمل بر دو مقدمه و بیست باب (مجلس)، است که در این کتاب گزارش شده است. که مختصر عناوین مجالس چنین است: مجلس اول: دروفات خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله. مجلس دوم: دروفات حضرت زهرا علیها السلام. مجلس سوم: در شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام. مجلس چهارم: در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام. مجلس پنجم: در سفر سید الشهداء علیه السلام از مدینه به مکه. مجلس ششم: در شهادت مسلم به عقیل. مجلس هفتم: در شهادت پسران مسلم. مجلس هشتم: در مسیر از مکه بسوی کربلا. مجلس نهم: در شهادت حرو و بعضی یاران دیگر. مجلس دهم: در شهادت وهب و مسلم و حبیب. مجلس یازدهم: در شهادت قاسم بن الحسن. مجلس دوازدهم: در شهادت حضرت عباس. مجلس سیزدهم: در شهادت علی اکبر. مجلس چهاردهم: در شهادت سید الشهداء علیه السلام. مجلس پانزدهم: در وقایع بعد از شهادت در کربلا. مجلس شانزدهم: در سفر اهل بیت به کوفه و شام. مجلس هفدهم: در کیفیت دخول شام. مجلس هجدهم: در رفتن اهل بیت از شام به مدینه. مجلس نوزدهم: در شهادت امام کاظم علیه السلام. مجلس بیستم: در شهادت امام رضا علیه السلام.

### ترقیمه چاپچی

چاپچی بعد از پایان متن کتاب طی یک صفحه جداگانه ضمن مدحی از فتحعلی شاه قاجار اشاره می کند که این کتاب به سعی و اهتمام میرزا زین العابدین تبریزی چاپ و منتشر شده است. این ترقیمه حاوی چهار نکته حائز اهمیت است.

اول: این کتاب به سعی و اهتمام میرزا زین العابدین چاپ و انتشار یافته است.

دوم: تأکید می‌گردد که میرزا زین العابدین از اعیان دارالسلطنه تبریز است.

سوم: مهمترین بخش این انجامة اینست که چاپچی میرزا زین العابدین را مبدع این فن نام می‌برد.

چهارم: در این کتاب هیچ اسمی از منوچهرخان گرجی نیست و از قرار معلوم در هنگام چاپ و انتشار این کتاب میرزا زین العابدین هنوز مورد حمایت مالی و معنوی معتمدالدوله قرار نگرفته است. هرچند در همین سال ۱۲۳۹ق. میرزا زین العابدین کتاب دیگری با نام رساله حسنیه منسوب به حسین بن علی ابوالفتوح رازی (قرن ۶ق.) منتشر می‌کند<sup>۵۰</sup> که در آن به نام معتمدالدوله اشاره و او را مورد مدح و تمجید قرار می‌دهد که حکایت از آغاز حمایت‌های مالی و معنوی معتمدالدوله از میرزا زین العابدین و صنعت چاپ در طهران آن روزگار دارد.

بعهد دولت خسرو، بدور حشمت دارا	که خار گلبن سوری و خاک عنبر سارا
جفا و جور ز دادش، دوان بسایه آهو	نیاز و آرز جودش، نوان بنکه عنقا
بگلستان جمالش، بهشت مجمره گردان	باستان جلالش، سپهر ناصیه فرسا
قواعدش همه محکم، او امرش همه مثبت	شمایلش همه نیکو، خصایلش همه زیبا
چو آسمان درش، آسمان وحسرت دربان	چو آفتاب رخش، آفتاب و حیرت حربا
بروز گار چنپنش اگر قوافل متحف	بکاینات جنانش اگر رواحل مه‌دا
قراضه به نیاید دبار نامه معدن	بشـیـزۀ به نماند بکنج خانه دریا

هو السلطان الاعظم والخاقان الاکرم، غوث الدنيا والدين، غياث الاسلام والمسلمين، المجاهد في سبيل الله، الغازي لدين الله، كامل نسخة دارالطباعة وجود و جامع صحيفه اطوار موجود.

کیهـان خـدای کامکار	کز هر چه پادشاه بجز کردگار بر
نوری مصور از چـه ز انوار کردگار	دادی مجسم از که ز دادار دادگر

ملك يجي بخمسة في خمسة لقي الحسود بها فمات لمابه من وجهه ووقاره و جواده و حسامه بیدیه يوم ضرابه قمر علی رضوي تسيريه الصبا والبرق يلمع من خلال سحابه اللهم ابد دولته و اید شوکتہ و افلج رایتہ و ابلج ابته مادامت الاقلام تکتب و الغمام یسکب. بسعی و اهتمام جناب میرزا زین العابدین، که جامع علم

۵۰. رساله حسنیه کتابی در ابعادی کوچکتر (۱۳×۲۱سم، کاغذ و ۸×۱۴سم. نوشتار) و تعداد صفحاتی کمتر (۱۵۸گ) از کتاب محرق القلوب است، که همین امر حکایت از آن دارد که چاپخانه میرزا زین العابدین در آن روزگار مجهز به دو دستگاه چاپ و حروف متفاوت بوده و این امکان را داشته که سفارشات چاپی خود را در ابعاد و شکل‌های متفاوتی ارائه نماید.

و عمل است و حاوی قول و فعل از اعیان دارالسلطنه تبریز است و در محروسه ایران مبدع این فن عزیز در دارالخلافة طهران. صانها الله عن الحدثان کتاب محرق القلوب مطبوع آمد. امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید فی صفر المصفر ۱۲۳۹.

## فهرست منابع

- «اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی»، داود فیرحی، علوم سیاسی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۱، صص ۱۳-۲۶.
- تاریخ چاپ سنگی در ایران، الیمپادا پاولونا شچگلوا، پروین منزوی، تهران، معین، ۳۳۲ ص، ۱۳۸۸.
- تاریخ چاپ و چاپخانه در ایران، حسین میرزای گلپایگانی، تهران، نشر گلشن، ۱۳۷۸.
- تهران نگاری، رضا شیرازیان، تهران، دستان، ۵۸۶ ص، ۱۳۹۵.
- چاپخانه و روزنامه در ایران، سید حسن تقی زاده، کاوه، سال دوم، دور جدید، ۲۸ آذر ۱۲۹۰، صص ۱۱-۱۴.
- حقایق الاخبار ناصری، محمد جعفر خورموجی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران، نی، ۱۳۶۳.
- روضه الصفا، رضاقلی هدایت؛ مصحح: جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- صنعت چاپ مصور در ایران، سعید نفیسی، پیام نو، دوره ۲، ش ۵، فروردین ۱۳۲۵ ش، صص ۲۲-۳۵.
- فهرست اسناد موقوفات ایران، امید رضایی، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه؛ انتشارات اسوه، ج ۴، ۱۳۸۶.
- فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۴، ۱۳۹۰.
- کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، حسین بن جعفر نجفی کاشف الغطاء، قم، بوستان کتاب، جلد ۴، ۱۴۲۲ ق.
- ناسخ التواریخ، محمد تقی بن محمد علی سپهر، مصحح: محمد باقر بهبودی. تهران: اسلامیه، ج ۴، ۱۳۵۳.
- نخستین چاپ های مصور در ایران، سعید نفیسی، راهنمای کتاب، ش ۳، پاییز ۲۳۲-۲۴۰، ۱۳۳۷.
- وسيله النجات، ملا احمد نراقی، ۲۵ گ، ۱۲ رمضان ۱۲۴۲ ق. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۵۶۴، [۵۸/۳۷].
- وقفنامه مدرسه سلطانی کاشان. ایرج افشار. فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۳، ۱۳۵۷، صص ۹۵-۱۰۸.

*An Iranian Town in Transition: A social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848.* Christoph Werner. Wiesbaden: Otto Harrassowitz Verlag, 2000.